

دیپلماسی فوتبال

داوود نوری^۱

بهرام قدیمی^۲

محمدعلی اصلانخانی^۳

زهرا علی پور درویش^۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱۰/۲۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۱۲/۲۶

فوتبال در سده اخیر حضور چشمگیری در تبادلات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و مهم‌تر از آن سیاسی و بین‌المللی پیدا کرده است؛ به طوری که این ورزش باورها، نگرش‌ها و عملکردها را تحت تأثیر خود قرار داده است و به عنوان یکی از عوامل موثر در شکل‌گیری سیاست‌ها و مناسبات داخلی و خارجی می‌تواند کارکردهای متعدد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و دیپلماتیک داشته باشد و تحولات زیادی را برای کشورها رقم بزند. از این‌رو، ورزش و فعالیت‌های ورزشی از یک فعالیت بدنی یا نوعی سرگرمی فراتر رفته و اهداف و کارکردهای مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و بین‌المللی پیدا کرده است. تحلیل نظریات و مبانی پژوهش نشان می‌دهد از میان پدیده‌های مختلف، فوتبال به عنوان یکی از مصادیق برنامه‌های روابط بین کشورها توانسته جایگاه ویژه‌ای در میان برنامه‌های کشورهای در حال توسعه برای بیان خواسته‌های خود از جامعه جهانی داشته باشد. جا دارد کارکردهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی فوتبال و آثار و تبعات آن بر سطح تعاملات بین دولت‌ها و دیگران بازیگران بین‌المللی تئوریزه و مفهوم‌سازی شود. بر اساس یافته‌های این پژوهش کارویژه‌ها و کارکردهای دیپلماسی فوتبال می‌تواند به مثابه تقویت هویت ملی، به عنوان ابزار

۱. دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی ورزش، گروه جامعه‌شناسی ورزش، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. دانشیار، گروه جامعه‌شناسی ورزش، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
E-mail: ghadimi.bahram@srbiau.ac.ir

۳. استاد، گروه رفتار حرکتی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

۴. استادیار، گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت و علوم اجتماعی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

توسعه، ابزار صلح و آشتی، ابزاری برای نوع دوستی و بهبود مناسبات، ابزار قدرت نرم، ابزاری برای همگرایی و گفتگو در بعد ملی و بین‌المللی کشورها به کار رود. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی تنظیم شده است. روش جمع آوری داده‌ها مبتنی بر مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای و بررسی مقایسه است.

واژگان کلیدی: فوتبال، دیپلماسی، دیپلماسی فوتبال و جام جهانی فوتبال

مقدمه

ورزش در عصر کنونی به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه‌یافتگی هر جامعه‌ای محسوب می‌شود و بعید است جامعه‌ای پیدا شود که پیشرفته باشد، اما در بُعد ورزش، عقب افتاده باشد، زیرا ضرورت پیشرفت یک جامعه، فعالیت‌های فوق برنامه ورزشی و حرکتی است (حییبی، ایسنا، ۹۴/۹/۱۰). براساس منشور بین‌المللی تربیت بدنی و ورزش سازمان یونسکو که در سال ۱۹۷۸ میلادی به تصویب رسید، ورزش بخشی اساسی از آموزش و فرهنگ است که روابط اجتماعی را غنا می‌بخشد و جوانمردی را ترویج می‌کند. ورزش می‌تواند در بازی‌ها و رخدادهای بین‌المللی به مثابه زبانی جهانشمول و مشترک میان مردمان جهان عمل کند. در بازی‌های المپیک، آدمیان با نژادها، مذاهب، قومیت‌ها و ملیت‌های مختلف به این زبان با هم سخن می‌گویند. افراد و فرهنگ‌ها در رخدادهای ورزشی در صلح به یکدیگر می‌پیوندند (محرم زاده، ۱۳۸۵). در کنار این امر، ورزش طرفداران بسیاری در سراسر جهان دارد و به مثابه نوعی عامل میانجیگری در رخدادهای رقابت‌های ملل با هم عمل می‌کند و بدین ترتیب بر زندگی شخصی افراد تأثیر می‌گذارد. این عامه‌پسندی و جذابیت جهانی ورزش، افراد را قادر می‌سازد از مرزهای ملی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی-اجتماعی خود فراتر روند.

از این رو، فوتبال به عنوان یکی از جلوه‌های جهانی مقدمات آشنایی و افزایش آگاهی اعضا از اهداف مشترک ملی و اجتماعی را فراهم می‌کند؛ در عین حال به ایجاد ارتباطات هماهنگ بین اعضا و گروه‌های مختلف همانند تماشاگران و مردم یک کشور می‌انجامد. صاحب‌نظران و پژوهشگران حوزه‌های مختلف جامعه‌شناسی، روانشناسی، روابط بین‌الملل و ... برای ورزش و مسابقات و جشنواره‌های ورزشی کارکرد، اهداف و نقش‌های مختلفی تبیین نموده‌اند که می‌توان به مسائل مختلفی همچون تشکیلات سازمان یافته، گسترش روابط بین‌المللی و ارتباطات فرهنگی، کمک به دیپلماسی عمومی، تقویت تفاهم و توسعه صلح، تقویت و همبستگی و مشارکت اجتماعی و تحکیم روابط و پیوندهای اجتماعی، نوعی سرگرمی و تفریح عمومی و رسانه‌ای، ارتقای سلامت روانی و جسمی، افزایش اعتماد، رشد توریسم، تخلیه هیجانات و انفعالات روحی، پرورش اخلاق انسانی و اجتماعی، تقویت و ارتقای سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و انسانی، ترویج مکانیسم یادگیری، ایجاد بستر برای شکل‌گیری باورها، مهارت‌ها، رفتارها، عادات، نقش‌ها و هویت و ... اشاره کرد.

فوتبال همواره به واسطه جذابیت و توجهات جامعه بین‌الملل به دلیل ساختار سازمانی از زمان شروع خود سهم وافری در نزدیکی ملت‌ها و حلّ و فصل مشکلات و حتی بروز تفاهمات میان طرف‌های درگیر داخلی و بین‌المللی در حوزه‌های مختلف داشته است، چرا که این امر در طبیعت ورزش فوتبال ریشه دارد و ورزش یک محیط آماده و مناسب و عامل تطیف‌کننده کشمکش‌ها و مدخلی طبیعی برای ملاقات‌های بین‌المللی به شمار می‌آید. بدین جهت فوتبال از توانایی تصعید و والایش عوامل درگیری و تبدیل آن‌ها به یک رقابت شرافتمندانه برخوردار است (انورخولی، ۱۳۸۱: ۱۲۴).

بدین جهت، ورزشی مانند فوتبال به عرصه‌ای تبدیل شده که ملت‌ها بتوانند خود را با دیگران مقایسه کنند و بخشی از جهان شوند و ملت‌های کوچک و درجه دومی که هم‌اورد قدرت‌های بزرگ‌تر نیستند می‌توانند به جنگ ورزشی و فوتبالی کشورهای بزرگ‌تر بروند و اگر شکست آن‌ها در عرصه سیاسی و نظامی میسر نیست، آن‌ها را میدان فوتبال شکست دهند. تلاش و رقابت کشورها برای موفقیت در جام جهانی فوتبال و کسب مقام اول چنان شدید و پرهزینه بوده است که برخی مواقع از آن به یک جنگ جهانی تعبیر می‌شود؛ جنگ جهانی دیگری که در عرصه ورزش بین قدرت‌های اصلی این رشته انجام می‌گیرد و پیروزی هر یک افتخاری بسیار بزرگ قلمداد می‌شود (زرگر، ۱۳۹۴: ۱۵) تا جایی که برای یک کشور، حضور در جام جهانی فوتبال بسیار پرمعناتر از عضویت در شورای امنیت سازمان ملل است (Jackson, ۲۰۱۳: ۱۲۵) و قهرمانی فوتبال در یک منطقه یا قاره برای دولت‌مردان پر اهمیت‌تر از شکوفایی علمی و اقتصادی است. امروزه هویت ملی بسیاری از کشورها با تیم فوتبال‌شان رقم می‌خورد، نه با مفاخر و آثار ماندگار علمی، ادبی و هنری‌شان (خاتمی، ۱۳۸۹: ۳). به طور مثال، مراکش به طور رسمی نامزدی خود را برای میزبانی رقابت‌های جام جهانی فوتبال ۲۰۲۶ اعلام کرده است. در صورت قطعی شدن نامزدی مراکش تنها رقیب تایید شده این کشور، آمریکا، کانادا و مکزیک است که به عنوان میزبان مشترک وارد این رقابت‌ها خواهند شد (باشگاه خبرنگاران جوان، ۹۶/۵/۴).

در کشور ما، فوتبال به عنوان محبوب‌ترین و پرهیجان‌ترین ورزش حرفه‌ای، هزاران نفر از جوانان ایرانی را به عنوان ورزشکار، مربی، داور و دست‌اندرکار امور اجرایی به خود مشغول داشته و فراتر از آن، میلیون‌ها تن از جوانان مشتاق را به عنوان طرفداران پرشور یا تماشاچیان علاقه‌مند درگیر کرده است. برگزاری مسابقه‌ها در سطوح گوناگون باشگاهی، ملی و بین‌المللی، ابزار و مسیری برای توسعه ورزش حرفه‌ای است و بازتاب

گسترده آن در رسانه‌های جمعی بویژه تلویزیون، فوتبال را این‌گونه محبوب ایرانیان ساخته است (هاشمی، ۱۳۸۶: ۱۰۸). جشن گرفتن در خیابان‌ها، پدیده جدیدی که با پیروزی ایران در بازی با استرالیا آغاز شد و ایران شاهد مراسم کارناوال ماندنی بود که در آن میلیون‌ها زن و مرد هیجان زده، به خیابان‌ها و میدانی شهرهای کوچک و بزرگ ریختند و پس از آن برای بازی ایران و آمریکا در اول تیر ۱۳۷۷ گسترده‌تر شد. مسابقه‌ای که می‌بایست دو کشوری را که از سال ۱۳۵۸ به لحاظ سیاسی با یکدیگر قهر بودند، در مقابل هم قرار دهد. جدای نتایج دیپلماتیک بین‌المللی احتمالی، این بازی خیلی بیشتر در چارچوب داخلی مسائل ایران مهم بود. بزرگداشتی که به دنبال این بازی در ایران رخ داد، نقطه عطفی در تحولات داخل ایران بود. اینک، مردم برای هر اتفاق کوچکی به شادی می‌پردازند؛ حال آن که پیش از این، این بزرگداشت‌ها در محدوده ورزشگاه‌ها انجام می‌شد (گرهارت، ۱۳۸۳: ۴۲).

در این راستا گرهارت به نقل از رحمت‌الله صدیق می‌نویسد: «شاید یکی از دلایل اشتیاق زیاد فوتبال در ایران، این باشد که فوتبال به ایرانیان این اجازه را می‌دهد که خودشان را با بقیه جهان مقایسه کنند. آنان بدین گونه می‌توانند بخشی از جهان باشند. یکی از تماشاچیان ایرانی در مورد پیروزی تیم ایران بر ایالات متحده در جام جهانی می‌گفت: «ما ناچار بودیم این بازی را ببریم تا دیدگاه جهانیان را نسبت به خودمان تغییر دهیم. این که ما اینجا هستیم و ما ثابت کردیم اینجا هستیم» (گرهارت، ۱۳۸۳: ۴۰).

همان‌گونه که بیان شد فوتبال به عنوان یکی از مهمترین رشته‌های ورزشی است که نسل جدید به آن تنها به عنوان ورزش نگاه نمی‌کنند، بلکه آن امری را فرهنگی - اجتماعی می‌دانند. در سال‌های گذشته روند افزایش ورزشگاه‌ها و باشگاه‌های ورزشی و اختصاص بودجه کشوری برای ایجاد امکانات و شرایط ورزشی نشان از توجه به ورزش و بویژه فوتبال در کشور است. بنابراین باید از مزایا و فرصت‌هایی که از مسابقات گوناگون ورزشی به دست می‌آید براساس برنامه مدون و مشخص برای منافع ملی و توسعه همه جانبه کشور بهره برد و در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نیز برای توسعه روابط بین‌المللی و ترویج ارزش‌های ایرانی اسلامی استفاده کرد.

در این مقاله با این فرضیه که گستردگی و تأثیرگذاری فوتبال به مثابه یک روند رو به رشد جهانی که آن را به یک ابزار مهم دولت‌ها برای دیپلماسی عمومی تبدیل کرده است، در صددیم بررسی کنیم:

- ارتباط دیپلماسی و فوتبال چگونه است؟
 - چه ضرورتی دارد که فوتبال در روابط ملی و بین‌المللی کشورها مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد؟
 - دیپلماسی فوتبال چه کارکردهایی در بعد ملی و بین‌المللی برای کشورها خواهد داشت؟
- این‌ها سئوالات پژوهش هستند که تلاش می‌شود بدان‌ها پاسخ داده و حداقل برخی از ابهامات از زوایای آن زوده شود.

مبانی نظری و ادبیات پژوهش

مارسل موس^۱ جامعه‌شناس شهیر فرانسوی که از او به عنوان «پدر جامعه‌شناسی ورزش» یاد شده است و به تعبیر لوی اشتروس^۲ سرزمین جدیدی به وسیله «موس» فتح شد، ورزش را «پدیده اجتماعی تام»^۳ - که از مهم‌ترین دستاوردهای او بود- مطرح می‌کند. موس بر آن است که پدیده یا واقعیت اجتماعی را نمی‌توان تنها در یک بُعد مورد مطالعه قرار داد، بلکه باید از تمام ابعاد آن را بررسی کرد. جامعه‌شناس برای بررسی یک پدیده اجتماعی مانند فوتبال باید به علوم مختلف رجوع کند. به عنوان مثال، در ورزش کردن نه فقط حرکات فیزیکی، بلکه تبلوری از آموزش را می‌پندارد که خود نوعی اجتماعی کردن است (نوابخش و جوانمرد، ۱۳۸۸: ۱۳۵).

بونیس^۴ (۲۰۱۲) درباره فوتبال به عنوان یک عامل در سیاست بین‌الملل می‌گوید: امروزه در پرتو جهانی شدن، فوتبال به منحصر به فردترین پدیده جهانی تبدیل شده و حتی از پدیده‌هایی چون دموکراسی و اقتصاد بازار که گفته می‌شود بدون مرز هستند، نیز فراتر رفته است. اگرچه از آغاز جام جهانی فوتبال در سال ۱۹۳۰ فوتبال به منزله پدیده جهانی مطرح بوده است، اما در چند دهه اخیر با رشد فن آوری‌های اطلاعات و در نتیجه جهانی‌تر و فراگیرتر شدن تأثیر عمیقی بر مردم جهان برجا گذاشته است و فوتبال را به پدیده‌ای کاملاً جهانی تبدیل کرده است.

بنابراین جامعه‌شناس نمی‌تواند نهادهای اجتماعی را جدا از افرادی که آن‌ها را می‌سازند مطالعه کند (فکوهی، ۱۳۸۶: ۱۴۳). براین اساس موس ورزش را کنشی فرهنگی دانسته و برآن است که رفتارهای ورزشی از سنخ

۱ . Marcel Mauss

۲ . Levy Strauss

۳ . total social fact

۴ . Boniface

رفتارهای طبیعی نیستند، بلکه فرهنگی‌اند و مجموعه‌ای از رفتارهای نمادی وابسته به حیثیت و موقعیتی را که هر فرد در سلسله مراتب اجتماعی احراز کرده است در بر می‌گیرد (ژاک دو فرانس، ۱۳۸۱: ۱۵۰-۱۵۸). تحلیل موس از ورزش به تدریج زمینه تحلیل‌های سیاسی و اجتماعی گسترده‌ای از ورزش را فراهم کرد (بورديو، ۱۳۸۱: ۱۵۴).

از سوی دیگر، فوتبال به عنوان یک پدیده اجتماعی (ادیبی و انصاری، ۱۳۸۷: ۱۰۲) و فرهنگی نشان‌گر ورود افراد به شبکه روابط اجتماعی است. این ورزش عرصه ظهور رفتارها، نگرش‌ها، ارزش‌ها و بازنمایی‌هایی معنادار قرن بیست و یکم است. این پدیده چند بعدی، آن چنان در متن جهان زندگی انسان‌ها رسوخ و نفوذ نموده که امروزه می‌توان با توجه به نگرش و فعالیت‌های ورزشی افراد، طرز تفکر، سبک زندگی و میزان سرمایه اجتماعی افراد را باز شناسی کرد و از روی رفتارها و فعالیت‌های ورزشی، سایر فعالیت‌های حیات زندگی اجتماعی را پیش‌بینی نمود و به وسیله آن وفاق و همبستگی اجتماعی را تحت تأثیر قرار داد. از این رو، با رویکردی جامعه‌شناسانه و تحلیل بازی‌ها و ورزش‌ها، می‌توان بخش عمده‌ای از ویژگی‌های افراد و جامعه‌ای که ورزش‌ها در آن پدیدار شده‌اند را باز شناخت.

بورديو امر ورزشی را که -ظاهراً غیرسیاسی است- پهنه و میدانی برای رقابت بر سر قدرت می‌داند. به گفته وی، مردم داوطلبانه وارد سازمان‌های ورزشی شده‌اند و از طریق رقابت، خشونت خود را تخلیه می‌کنند. حکومت‌ها نیز سازمان‌های ورزشی را به رسمیت می‌شناسند تا از آن طریق به بسیج توده‌ها و فتح آنان بپردازند. پتانسیل قدرت در ورزش باعث می‌شود احزاب سیاسی، اتحادیه‌ها، کلیساها و مراکز سرمایه وارد این عرصه شوند. همچنین بورديو برای درک رفتار عوامل اجتماعی میدان را با بازی مقایسه می‌کند (بون‌ویتز ۱۳۹۰، ۷۵) در ارتباط با میدان فوتبال در مقایسه با میدان اجتماعی می‌گوید: زمین فوتبال فضایی محصور است که بازی در آن انجام می‌شود. بازیکنان در هنگام بازی موقعیت‌های مشخصی دارند، وقتی زمین فوتبال در حالت تصویری نمایش داده شود، همانند مستطیلی با تقسیمات درونی و مرزهای بیرونی است که در آن جایگاه مشخصی برای هر فرد تعریف شده است. بازی قواعد مشخصی دارد که بازیکنان مبتدی قبل از آغاز بازی باید آن‌ها را فرگرفته باشند. آن چه بازیکنان می‌توانند انجام می‌دهند و محدوده‌ای که طی بازی می‌توانند در آن حرکت کنند به جایگاه اصلی آن‌ها بستگی دارد. وضعیت فیزیک میدان بر آن چه بازیکنان می‌توانند انجام دهند، تأثیرگذار است.

در مجموع بر کیفیت کل بازی نیز تأثیر می‌گذارد. مقایسه میدان اجتماعی با میدان فوتبال چندان بی ربط نیست. بورديو زندگى اجتماعى را هم نوعى بازی می‌داند. او جای جای آثار خود به بازی فوتبال اشاره می‌کند، شاید به این دلیل که او خود با این بازی خوب آشنا بود. بورديو می‌گوید: «میدان اجتماعى همانند میدان فوتبال از جایگاه‌هایی تشکیل شده که عاملان اجتماعى آن‌ها را تصرف می‌کنند (افراد یا نهادها). در نتیجه آن چه در میدان اتفاق می‌افتد، محدودیت‌های خاصی دارد؛ یعنی مرزهایی برای آن چه می‌توان انجام داد، وجود دارد و تمامی آن چه می‌توان انجام داد نیز بستگی به شرایط میدان دارد. میدان اجتماعى و سیاسى درست مثل میدان فوتبال به خودی خود معنا ندارد» (گرنفل، ۱۳۹۳: ۱۲۸).

از نظر دیلینی^۱، جامعه‌شناسى معاصر آمریکایی، «ورزش را باید همچون سایر نهادهای اجتماعى مانند خانواده، دین و سیاست، جزئی از جامعه آمریکا دانست. نادیده گرفتن ورزش، به مثابه یکی از فعالیت‌های فراگیر در آمریکای معاصر، در حکم چشم پوشی از پدیده‌ای اجتماعى است که گستره آن به چندین حوزه اجتماعى دیگر کشیده می‌شده است؛ از آموزش، اقتصاد، هنر، وسایل ارتباط جمعی و اجتماعات محلی گرفته تا روابط سیاسى بین‌الملل. گفته شده است که ورزش، عالم اصغر است و اخلاقیات، ارزش‌ها و فرهنگ عمومی یک جامعه را منعکس می‌کند. امروزه بسیاری از تیم‌های ورزشی حرفه‌ای متعلق به صاحبان صنایع است مانند رابرت مرداک، صاحب باشگاه لس‌آنجلس داجرز و جورج استاینبرنر، صاحب باشگاه نیویورک یانکیز است. هویتی را که ورزش برای خیل وسیعی از افراد به ارمغان می‌آورد، تعهد، وفاداری و عشقی است که طرفداران ورزش به آن دارند. روند تجارت رو به رشد ورزش ممکن است عاقبت به اضمحلال ورزش‌های حرفه‌ای منجر شود که امروزه نیز تا حدودی شاهد آن هستیم، اما ورزش خودش نمی‌تواند به کلی از صحنه زندگى اجتماعى حذف شود. استن^۲ نشان داده است که یکی از کارکردهای پنهان ورزش در جامعه صنعتی آمریکا، انسجام بخشیدن به زندگى شخصی بسیاری از آمریکاییان است. در واقع، هواداری از تیم‌های ورزشی که افراد معمولاً در دوران نوجوانی در پیش می‌گیرند و به دوره بزرگسالی آنان نیز کشیده می‌شود، برای فرد یادآور این مطلب است که در دنیای اجتماعى چیزهایی هستند که ظاهراً به‌رغم تغییرات سریع اجتماعى، پایدار باقی می‌مانند (دیلینی، ۱۳۸۸: ۳۱۳).

۱ . Delaney

۲ . Stone

در دهه شصت، «نوربرت الیاس»^۱ در تحلیل و تعبیر شگفت انگیز و جدیدی اعلام کرد: «ورزش کلید شناخت جوامع است». الیاس در مطالعه تاریخ اجتماعی انگلستان قرن هیجدهم نشان داده است که رابطه تنگاتنگی میان پیدایش ورزش و شکوفایی رژیم پارلمانی وجود دارد. او ورزش را به عنوان مدلی در جهت تحلیل ساختارهای اجتماعی می‌داند. «کایووا»^۲ نیز معتقد بود بنای جامعه‌شناسی بر پایه ورزش‌ها استوار گردیده است. او زندگی اجتماعی را به نوعی بازی تشبیه کرده و الگوی بازی را نشان دهنده ورود انسان‌ها در شبکه روابط می‌داند. تونیس (۱۹۴۱) و پس از او فرنکین^۳ (۱۹۶۳) این را مطرح کرده بودند که ورزش در تقویت صلح جهانی و تفاهم بین‌المللی نقش دارد. زیمل^۴ تأکید می‌کند که ورزش وقتی شکل مسابقه ورزشی به خود بگیرد، می‌تواند در حل کشمکش‌ها و درگیری‌ها نقش اساسی ایفا کند (انورالخولی، ۱۳۸۱: ۷۳-۷۲).

به همین دلیل از نظر جامعه‌شناسان، یکی از دلایل مهم برای مطالعه فوتبال به عنوان یک پدیده اجتماعی فراگیر، این است که با بسیاری از مظاهر زندگی اجتماعی افراد جامعه ارتباط بسیار نزدیکی دارد. این ورزش با پدیده‌ها و نهادهایی چون خانواده، اقتصاد، سیاست و ... ارتباط دارد و یکی از ابزارهای مناسب برای توسعه فرهنگی اجتماعی می‌تواند باشد (جهرمی، ۱۳۹۱: ۲۱).

روش‌شناسی پژوهش

انواع روش‌ها در علوم اجتماعی برای گردآوری داده‌ها درباره افراد، گروه‌های اجتماعی، اجتماعات، انجمن‌ها، جنبش‌های اجتماعی، روابط بین‌الملل و دیگر موضوعات وجود دارد (محمدی، ۱۳۹۰: ۲۴). به‌رغم توفیقاتی که در شیوه‌های سنجش گرایش‌ها، نظرات و کنش‌های اجتماعی به وجود آمده، برخی از پدیده‌ها یا ابعادی از آن‌ها قابلیت تبدیل به عدد و رقم را ندارند (طالب، ۱۳۹۱: ۲۳). از این‌رو، فنون گردآوری داده‌ها ممکن است شامل اسناد، کتاب‌ها، نوار ویدئویی باشد (استراس و کوربین، ۱۳۸۵: ۱۸). یادداشت‌های میدانی، ثبت و ضبط با استفاده از نوار آدیو و ویدیو (شنیداری و دیداری) و دیگر ثبت و ضبط‌های کتبی صوتی و تصویری یا فیلم (هومن، ۱۳۹۴: ۱۷۳) اعلامیه‌ها، بیانات سیاسی مرسوم، نامه‌ها و غیره همگی در گسترش درک مجموعه یا گروه مورد مطالعه مفید هستند. مجلات تحقیقی و نمونه نوشته‌های آزاد پیرامون عنوان نیز می‌تواند کاملاً اطلاعات مفیدی

۱ . Norbert Elias

۲ . Caillois

۳ . Frenkin

۴ . Simmel

به همراه داشته باشد (ادواردس و اسکینر، ۱۳۹۳: ۱۴۸). در این پژوهش از تکنیک گردآوری اطلاعات به روش اسنادی که در آن هدف پژوهش با مطالعه، تحلیل و بررسی اسناد (کتاب‌های تخصصی، وبگاه‌های معتبر علمی و بانک‌های اطلاعاتی داخلی و خارجی) و متون برآورده می‌شود (طالقانی، ۱۳۸۲: ۵۱) استفاده شده است. آنچه این روش را از روش‌های دیگر متمایز می‌کند، استفاده از اسناد و متون موجود (روزنامه، سایت‌های خبری و ...) به منظور تحلیل کیفی و فهم محتوای پیام‌ها و کردارهای گفتمانی موجود در متون مختلف است.

نقش دیپلماسی در فوتبال

امروزه فوتبال به بخشی از زندگی جوامع تبدیل شده است و به نوعی دنیای مدرن بدون فوتبال امکان پذیر نیست. این ورزش نقش مهمی در اقتصاد در توسعه جوامع دارد و حتی می‌تواند بازنمودی از فرهنگ جوامع باشد. از این رو، می‌شود گفت جام جهانی فوتبال فرصتی مناسب را در اختیار کشورها قرار داده تا بتوانند از دیپلماسی عمومی بهره ببرند و فرهنگ و ارزش‌های خود را در عرصه‌ای گسترده نشان دهند (عبدالکریمی ایرنا، ۹۳/۳/۳۱). به تعبیری می‌توان گفت فوتبال امری جهانی است و توانسته است زبان جهانی مشترکی به وجود آورد. فوتبال چیزی را محقق کرده است که فرگه و راسل - اصحاب حلقه وین - و بسیاری از فیلسوفان تحلیلی سودای تحقق آن را داشته‌اند. امروز جهان فوتبال محل آمد و شد بازیکنانی با زبان‌ها، رنگ‌ها، مذاهب، ملیت‌ها و فرهنگ‌های مختلف شده است، اما همه در یک زبان و یک هدف مشترک‌اند و آن فوتبال است. در دنیای فوتبال، گویی همه مرزبندی‌های دروغین و قرار دادن نژادی، زبانی، قومیتی، طبقاتی فرو می‌ریزد. فوتبال را درست مثل بسیاری از پدیدارهای مدرن مثل تکنولوژی (فناوری)، رسانه و ... با هیچ نیرویی نمی‌توان از جهان حذف کرد، چرا که هر پدیداری در این جهان با یک کلیت شبکه‌ای مرتبط است. با این وصف با استفاده از دیپلماسی فوتبال می‌توان گره‌های ناگشوده بسیاری را در جهت کسب منافع ملی حل و فصل کرد.

فعالیتی به نام فوتبال در ایران که دارای بازیگرانی هدفمند و آگاه به موقعیت شغلی و حرفه‌ای شان و تماشاچیان زن/مرد، فقیر/غنی، شهری/روستایی/شهری، جوان/پیر، باسواد/بی‌سواد، به عنوان چتری فراتر از یک فعالیت حاشیه‌ای بر بسیاری از رفتارهای جامعه ایرانی (بویژه) در شهرها می‌توان نام برد؛ زیرا فوتبال فقط یک عنصر - کم بها یا با اهمیت - در کنار عناصر اجتماعی فرهنگی نیست، بلکه عنصر ریشه دوانیده در

حیات انسان متعلق به جامعه جدید است. در اینجا این پرسش مطرح می‌شود چرا ایرانی‌ها به بازی اروپایی‌ها توجه دارند و علاقمندند و قهرمانان آن‌ها را قهرمانان خود می‌دانند و مسابقات لیگ‌های اروپایی را دنبال می‌کنند. واقعاً چرا؟ واقعیت ماجرا چیست؟ آیا این موضوع چیزی غیر از ساختن دنیای جدید اجتماعی - فرهنگی است؛ دنیایی که خصوصی، محرمانه، فردی و ... نیست، بلکه جمعی و فراگیر است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۱: ۹). بدین ترتیب، در روابط بین کشورها نیز ورزش فوتبال یکی از حوزه‌های موضوعی بسیار رایج و گسترده بوده است.

از اواخر قرن نوزدهم میلادی، دو روند همزمان افزایش روزافزون تعاملات بین‌المللی و بین‌المللی شدن ورزش در جریان بوده‌اند. به رغم توجه امروزیین دانش سیاست و به تبع آن، زیرحوزه دانش روابط بین‌الملل به بسیاری از حوزه‌هایی که پیش‌تر در این دو دانش چندان وقعی بدانها نهاده نمی‌شد، حوزه ورزش سیاسی همچنان در حاشیه این دو دانش به سر می‌برد و عنایتی جدی به آن معطوف نمی‌شد. در عصر کنونی وجوه سیاسی و فرهنگی فوتبال به صورت گسترده‌ای به رسمیت شناخته شده‌اند و ورزش بین‌المللی جزئی جدایی‌ناپذیر از پویای روابط میان ملت‌هاست. این تحول در ماهیت ورزش و توسعه دامنه جغرافیایی آن بخشی از تحولاتی است که طی قرن گذشته در حوزه روابط بین‌الملل اتفاق افتاده است. جهانی شدن، اهمیت یافتن سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی در سیاست‌گذاری‌ها، تأثیر شگرف جنبش‌های فراملی بر حاکمیت و تغییر روابط میان هویت و مکان، بخشی دیگر از این تحولات در محیط بین‌الملل هستند. اگر دیپلماسی فرهنگی را امری متوجه فهم متقابل و تبادلات فرهنگی میان ملت‌ها تعریف کنیم، فوتبال گونه‌ای از این نوع دیپلماسی خواهد بود (Murray, 2012: 8).

فوتبال در مقام زبان مشترک، گفتگو میان افراد و ملت‌ها را تسهیل می‌کند و حتی گاهی تفاوت‌های سنتی و فرهنگی میان آنان را کمرنگ می‌سازد. با توجه به محیط به شدت رقابتی که اغلب در میادین ورزشی با آن مواجه هستیم، این امر دستاوردی بزرگ است. تبادل ایده‌ها در درون نهادهای جهانی در خلال رخدادهای عمده‌ی ورزشی نظیر المپیک و جام جهانی فوتبال، فهم متقابل میان افراد و ملت‌ها را افزایش می‌دهد؛ هرچند دهه گذشته شاهد برخی درگیری‌ها بین ملت‌ها در بعضی از رخدادهای مانند جام ملت‌های اروپا بوده است. به عنوان مثال، در رقابت‌های سال ۲۰۰۰ میلادی، این درگیری را به خوبی می‌شد میان بلژیکی‌ها و

هلندی‌ها مشاهده کرد. جام ملت‌های اروپای سال ۲۰۰۸ میلادی نیز شاهد خصومت مشابهی میان سوئیس‌ها و اتریشی‌ها بود. به رغم این واقعیت، حضور هریک از دو کشور متخاصم در چنین رخداد بزرگی نشان می‌دهد که آنها به رغم اختلاف نظر همچنان خواهان گفتگوی دوجانبه هستند.

نظریه‌پردازان دیپلماسی مدعی هستند که در حال حاضر تحولی عظیم در رویه‌های دیپلماتیک به وقوع پیوسته که این تحول همان گسترش و سرریز شدن فعالیت دیپلماتیک به دامنه وسیعی از فعالیت‌های اجتماعی است. همیلتون و لانگهورن به تعدادی روزافزونی از «کارکردهای» منتسب به دولت در این زمینه اشاره می‌کنند. آنان خاطرنشان می‌سازند که پذیرش فقدان تمایز میان سیاست بین‌الملل و اقتصاد از سوی دولت‌ها ناشی از تجربه آنها از فضای بازسازی دوران پس از جنگ جهانی دوم است. افزون بر این از نظر آنها، بین‌المللی شدن روزافزون موضوعات صنعتی، اجتماعی و تکنولوژیک سبب شده است که هر یک از این موارد وجهی دیپلماتیک به خود بگیرند (Hamilton and Langhorne, ۲۰۱۱, p. ۱۸۳). توسعه ورزش و ارتباط یافتن آن با دیپلماسی در این فضا و اتمسفر رخ داده است. واتسون نشان می‌دهد که دیپلمات‌ها هر روز با دامنه گسترده‌تری از موضوعات نوین سر و کار پیدا می‌کنند که پیش از این هیچ ربطی بدان‌ها نداشت. (Watson, ۱۹۸۲, p. ۱۲۱). به همین دلیل سپ بلاتر، رئیس اسبق فیفا استدلال می‌کند: «فیفا دیگر فقط نهاد اداره‌کننده ورزش فوتبال نیست. فیفا حالا وجوه مختلف ورزشی، فرهنگی و سیاسی به خود گرفته است، در عین اینکه پدیده اقتصادی قدرتمندی نیز هست... به اعتقاد بلاتر تا جایی که فوتبال می‌تواند کوه‌ها را جابجا کند» (Blatter, ۲۰۰۹).

یافته‌ها و کارکردهای دیپلماسی فوتبال

در مورد یافته‌ها و کارکردهای فوتبال اظهار نظرهای ادیبانه، فیلسوفانه و اخلاقی زیادی ارائه شده است، اما هریک به جنبه‌ای از آن تأکید می‌کنند و از توجه به سایر جنبه‌ها، بویژه نتایج و کارکردهای سیاسی-اجتماعی کنونی فوتبال باز می‌مانند. برای مثال، از دید چگوورا، فوتبال تنها بازی ساده نیست، بلکه سلاحی برای انقلاب است. آلبرت کامو در بازی فوتبال، اخلاق و تعهدات اجتماعی را جستجو می‌کند و می‌نویسد: «تمام آنچه من از اخلاق و تعهد می‌دانم را مدیون فوتبال هستم» (شریعتی و ناظمی، ۱۳۹۶، ۱۷۴). با این تعابیر هرچند فوتبال به تنهایی نمی‌تواند همه تعارضات ملی و بین‌المللی را حل و فصل نماید، اما قادر است

به عنوان محرکی قوی، مردم، سیاستمداران و نمایندگان را به سمت راه‌حل‌های صلح‌آمیز و یا حداقل بهبود وضعیت موجود و کمک به روند توسعه کشورها سوق دهد. به صورت کلی می‌توانیم نتایج و کارکردهای اصلی دیپلماسی فوتبال را که در این پژوهش به دست آمده به صورت موضوعات زیر دسته‌بندی کنیم:

۱- فوتبال به مثابه تقویت هویت ملی

از جمله کارکردهای فوتبال، ورود و مشارکت دادن این ورزش در معادلات هویتی است که نه به مثابه حاشیه، بلکه عملاً کلیت این ورزش را تحت تأثیر قرار داده است (Grant, ۲۰۰۹: ۳۰۹). دولت ایرلند کوشیده تا با بهره‌گیری از ورزش و بازخوانی رویدادهای ورزش باستانی این کشور به نام «آنوچ تایلتن»^۱ آن را به عنوان نماد ایرلند جدید تبدیل کند و بدین وسیله هویت این کشور را تثبیت نماید (Cronin, ۲۰۰۳: ۷۳). تیم‌های ملی یا باشگاهی با تأکید بر هویت‌های فروملی، زمینه را برای غیرت‌سازی‌های مختلف در درون یک جامعه فراهم می‌آورند و اگر جامعه‌ای به دلایل داخلی و خارجی، دارای پتانسیل‌های واگرایی باشد، فوتبال می‌تواند تسریع‌کننده فروپاشی اجتماعی و حتی سرزمینی باشد. از کشورهای حوزه بالکان و یوگسلاوی سابق و اسپانیا مثال‌های آشکار در این زمینه می‌توان نام برد. ورزش نقش مهمی در برساخته شدن ملت‌ها، دولت‌های ملی و هویت‌های ملی دارد. جام جهانی شاید بیش از هر رویداد ورزشی دیگری بازتابنده تعریف هویت به مثابه ملت باشد. ملت‌ها از طریق پیکارهای ورزشی مانند فوتبال است که زمینه‌های توسعه داخلی را پشت سر گذاشته، خود را در جهان معرفی می‌کنند و یا به نبرد با یکدیگر می‌پردازند یا همانند رقابت فوتبال بین آرژانتین و انگلستان به نمونه انتقام دو ملت تبدیل می‌شود. هاولانز، رئیس قبلی فیفا معتقد بود به دلیل اهمیت فوتبال به عنوان یک قدرت موثر در کمک به ملت‌سازی در عرصه جهانی، فیفا پس از آمریکا و شوروی عامل سوم جهانی است (لومور و بودر، ۱۳۹۶: ۳۱).

ورزش اول یک کشور در مقایسه با دیگر ورزش‌ها به طور نامتوازی مورد توجه قرار می‌گیرد. در ترکیه، برزیل، ایتالیا یا نیجریه فوتبال نخستین سرگرمی ملت‌های آن‌هاست. فوتبال جای خود را در روزنامه‌ها صفحات تلویزیون و در گفت‌وگو با غریبه‌ها پیدا کرده است. همین که تیم ملی پیروز شود، تمام کشور به خیابان می‌ریزند و در نزدیک‌ترین میدان جمع می‌شوند و شکست، یأس عمومی را در پی دارد. سیاست-

مداران درباره نتایج عالی یا اسفبار، کارت‌های قرمز ناعادلانه و پنالتی‌های مشکوک اظهار نظر می‌کنند. این اتفاق در مورد هر ورزشی نمی‌افتد. فوتبال، بیش از هر ورزش دیگری، این جایگاه ویژه را به عنوان بازی ملی در اختیار دارد و چون بازی ملی است، از مولفه‌های هویت ملی هم به شمار می‌رود (ریچاردز، ۱۳۹۶: ۲۷۶).

تجربه سایر کشورهای جهان نیز نشان دهنده نقش فوتبال در هویت‌سازی ملی است. این مسئله به ویژه در کشورهای آمریکای لاتین، نظیر برزیل و آرژانتین نیز صادق است. ترکیب تیم ملی فوتبال فرانسه با حضور هفتاد درصدی اقلیت‌های مهاجر و حضور مسلمانان، عنصری برای تقویت و نهادینه کردن تعلقات ملی فرانسویان خارجی تبار است؛ مسئله‌ای که به ویژه برای کشور فرانسه با تعارضات درونی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. یکی از علل رأی نیاوردن لوپن در انتخابات سال ۲۰۰۱ ریاست جمهوری فرانسه، تهدید به اخراج خارجی تبارها پیش از جام جهانی فوتبال ۲۰۰۲ بود که مشخصاً زیدان را نیز دربر می‌گرفت و بی‌توجهی به محبوبیت و تأثیر فوتبال را گوشزد می‌کند.

نقشی که تیم فوتبال در سطح بین‌المللی و در ایجاد و تعمق هویت ملی دارد، در سطح محلی نیز قابل مشاهده است. اکنون برای بسیاری از جوامع، بهره‌گیری از امکاناتی مانند فوتبال و سایر ورزش‌ها در ایجاد هویت ملی یا محلی، مهم شده است. برای مثال، سرمایه‌گذاری گسترده مادی و تبلیغاتی رسانه‌ای ترکیه برای تقویت باشگاه‌های فوتبال آن کشور به منظور حضور مقتدرانه در مسابقات باشگاهی قاره اروپا (قاره فوتبال)، می‌تواند به تسهیل پذیرش ترکیه در اتحادیه اروپا، از طریق اروپایی شدن ترکیه نزد افکار عمومی اروپا منجر شود (هاشمی و یگانه، ۱۳۸۶: ۱۱۴-۱۱۳). لور^۱ (۱۹۸۳) در بررسی خود درباره تأثیر فوتبال بر وحدت اجتماعی در برزیل به این نتیجه رسید که فوتبال در برزیل، برزیلی‌ها را با وجود فاصله طبقاتی موجود و محرومیت‌های اقتصادی و اجتماعی در کنار هم جمع می‌نماید (پارسامهر، ۱۳۸۸: ۵۶).

در بحبوحه چالش‌های سیاسی و ایدئولوژیک میان گروه‌های مختلف ایرانیان، از جمله موضع‌گیری‌های متفاوت اکثریت جامعه ایرانی با اقلیت‌های در کشور و با گروه‌هایی در خارج از کشور، مسئله‌ای که بتواند آن‌ها را به راحتی به هم پیوند دهد و کنار هم بنشانند، بسیار مهم است. در سال‌های اخیر، جز فوتبال، فقط

دو مسأله خلیج فارس (پس از بروز خطای مجله نشنال جئوگرافیک) و نیز تأکید بر داشتن انرژی هسته‌ای، چنین توانی را داشته است. از این جهت مسابقات مختلف ادواری فوتبال در سطح باشگاهی، ملی، قاره‌ای و جهانی به مانند بازی بین ایران و استرالیا در انتخابی جام جهانی فوتبال ۱۹۹۸ فرانسه توانسته است ایرانیان را در کنار هم و در جبهه‌ای واحد با تعلقات اجتماعی و عاطفی آشکار و قوی قرار دهد (آزادارمکی، ۱۳۸۳: ۳۲۸).

۲- فوتبال به مثابه ابزار توسعه^۱

کوفی عنان و نلسون ماندلا به نقش ورزش به عنوان ابزاری برای توسعه کشورها اشاره کرده- اند (Levemore, R. & Beacom, A. ۲۰۱۲: ۲۶)؛ به طوری که آنان از ورزش به عنوان ابزاری که موانع توسعه مثل جنگ، فقر و بیماری را از بین می برد، نام می برند (ازکیا، ۱۳۸۰: ۸). بسیاری از صاحب- نظران بر این باورند که توسعه دیپلماسی فوتبال در گرو توسعه اقتصادی کشورها و برعکس است. هر کشوری با میزبانی رویدادهای ورزشی می تواند درصدی از مسائل و مشکلات اقتصادی خود را بر طرف کند و با پیشرفت اقتصادی، روابط سیاسی و دیپلماتیک خود را سامان دهد. برای مثال، کشورهای بریک (برزیل، چین، هند و روسیه) از میزبانی رویدادهای ورزشی به عنوان یکی از منابع راهبردی توسعه روابط دیپلماتیک استفاده می کنند. از میزبانی جام جهانی فوتبال ۲۰۱۴ برزیل و میزبانی جام جهانی فوتبال ۲۰۱۸ روسیه می توان در این راستا نام برد.

حضور سران کشورها در مسابقات بین‌المللی فوتبال به عنوان تماشاجی و تشویق کننده تیم و حتی حضور آن‌ها در تمرین‌های تیم ملی برای مسابقات بین‌المللی، نمونه‌ای از اقبال سیاست مداران به فوتبال (کاظمی و شاه قلعه، ۱۳۹۲: ۱۳۳) برای توسعه فعالیت‌های اجتماعی با توجه به محبوبیت و اهمیت این ورزش است. رهبران سیاسی در تعیین محل برگزاری مسابقات فوتبال همواره سعی می کنند شهرهایی از کشور خود را انتخاب کنند که به بهترین شکل ممکن، نشانگر پیشرفت‌های جامعه آن کشور باشد (قدیمی، ۱۳۹۳: ۵۸). لذا از ماه‌ها قبل از برگزاری مسابقات ورزشی، دست‌اندرکاران برای آماده سازی محل مسابقات و گسترش امکانات آن تلاش می کنند و در واقع موفقیت رهبران را در اداره جامعه خویش و توسعه یافتگی را برای

دیگران به نمایش می گذارد. به طور مثال، کشور فرانسه با وجود امکانات ورزشی گسترده و برخورداری از توانایی اقتصادی بالا، از چند سال پیش از شروع بازی‌ها در جهت ساخت ورزشگاه عظیمی به منظور برگزاری جام جهانی فوتبال سال ۱۹۹۸ تلاش کرد تا به بهترین وجه، توانایی‌های خود را به نمایش بگذارد. در مثال دیگری به بودجه فوتبال در کشور ژاپن اشاره می کنیم که حدود سه میلیارد دلار است و در آن منافع سرمایه‌داران در جهت رشد روزافزون توجه به فوتبال در راستای توسعه کشور تأمین می شود (قاسمی و دیگران، ۱۳۸۸: ۳۵). صنعت ورزش بویژه فوتبال به تنهایی بین ۱ تا ۲ درصد تولید ناخالص ملی کشورهای صنعتی را تشکیل می دهد (رحمتی، ۱۳۸۶: ۱۶۲). چین سهام بسیاری از تیم‌های بزرگ و مطرح فوتبال دنیا از جمله در کشورهای انگلیس، ایتالیا، فرانسه و حتی باشگاهی در جمهوری چک را از آن خود کرده و اکنون بالاتر از آمریکا در صدر سرمایه‌گذاران فوتبال قرار گرفته است. تارنمای «بی‌سی» چین در گزارشی اعلام کرد که سرمایه‌گذاری چین در صنعت فوتبال و برای خرید تیم‌های بزرگ دنیا بیش از مجموع سرمایه‌گذاری ۴۰ کشور است. این تحقیقات آماری پس از آن اعلام می شود که «شی جین‌پینگ» رئیس جمهوری خلق چین اعلام کرد، کشورش باید بازیکنی بزرگ در فوتبال دنیا باشد. چین به دنبال ایجاد ۲۰ هزار مدرسه فوتبال و ساخت ۶۰ هزار زمین برای این رشته ورزشی تا سال ۲۰۲۰ میلادی است و می‌کوشد تا سال ۲۰۵۰ میلادی به قدرت برتر در این رشته در دنیا تبدیل شود. آمارها نشان می دهد که چین برتر از کشورهای نظیر آمریکا و سنگاپور قرار دارد که برای خرید سهام باشگاه‌های فوتبال به ترتیب ۳۱۳ یورو و ۲۵۶ میلیون یورو هزینه کرده‌اند. چین در سال ۲۰۱۵ میلادی ۵۵۵ میلیون یورو و در سال گذشته میلادی (۲۰۱۶) نیز یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار برای سرمایه‌گذاری در این رشته پرترفدار ورزشی اختصاص داد. باشگاه‌های این کشور هم به رغم محدودیت‌هایی که برای آنان از سوی فدراسیون فوتبال این کشور در نظر گرفته شده، برای خرید بازیکنان در فصل ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ میلادی نزدیک به ۴۱۰ میلیون دلار هزینه کرده‌اند. آمارها نشان می‌دهد که چین با سرمایه‌گذاری ۲ میلیارد و ۱۵۰ میلیون یورویی به بزرگترین سرمایه‌گذار در ورزش فوتبال در جهان تبدیل شده است (ایرنا، ۹۶/۳/۲۷). از سویی، باشگاه‌های ایران سال‌هاست که وابسته به دولت هستند و به غیر از چند باشگاه انگشت شمار سایر باشگاه‌ها از منابعی که توسط دولت به آن‌ها تزریق

می شود امور خود را می گذرانند. به همین دلیل تا زمانی که این باشگاه‌ها به بنگاه های سودآور تبدیل نشوند نمی توانند در توسعه کشور نقش بسزایی را ایفا کنند (حسینی و دیگران، ۱۳۹۴: ۵۰).

۳- فوتبال به مثابه ابزار صلح و آشتی

دستیابی به صلح و دوستی بین ملت‌ها از طریق ورزش به وسیله پیردوکوبرتن، بنیانگذار المپیک نوین در سال ۱۸۹۶ میلادی مطرح شد. مشارکت در ورزش باعث ساخت منش، توسعه اخلاقی، دوستی و صلح، همکاری و تعاون و شهروندی خوب برای جامعه داخلی و بین‌المللی با ویژه‌گی‌های ارزشمند شخصیتی می شود. جان دردن در یادداشتی به بهانه جام جهانی ۱۹۹۸ میلادی فرانسه برای سایت اسپن^۱ نوشته بود: شاید فوتبال باعث نزدیک شدن دو کشور ایران و آمریکا شود. در ادامه می نویسد: فوتبال و یک بازی زیبا می تواند مردم را به هم نزدیک کند و شاهد مثال هم جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه که در آن ایران موفق شد در یک بازی خاطره‌انگیز دو بر یک آمریکا را شکست دهد. روزهای قبل بیل کلینتون از صلح میان دو ملت صحبت کرد و این جمله را گفت که حتی شده برای ۹۰ دقیقه، دو کشور ایران و آمریکا در یک فضای دوستانه و صمیمی با یکدیگر رقابت می‌کنند. رسانه‌های گروهی با کمک سازمان‌های مهم بین‌المللی و ورزشی می توانند نقش ورزش را به عنوان وسیله‌ای برای تحقق پیشرفت در راستای تکامل و صلح ارتقا دهند (گهارت ۱۳۸۳، ۳۵). ورزش، عرصه فعالیت‌های الگومندی است که فرصت منحصر به فردی را برای مطالعه و فهم پیچیده‌گی‌های حیات اجتماعی و حتی بین‌المللی فراهم می‌آورد. به سبب همین عملکردهاست که از رسانه‌های ورزشی در راستای صلح استفاده می شود. ایجاد صلح و همکاری، دلایلی هستند (Schulenkorf & Burdsey, ۲۰۱۴: ۱۲۳) که سبب تشویق و ترغیب مشارکت اقتصادی ملت‌ها در رویدادهای ورزشی می شوند.

در سال ۱۹۶۱ وزارت خارجه آلمان برای نخستین بار از ورزش به عنوان «ابزار سیاسی صلح آمیز» در کشورهای در حال توسعه و مناطق بحرانی بهره گرفت تا از این راه تعصب را کم کند و اقلیت‌ها را به هم نزدیک نماید. مانزنیتر در سال ۲۰۰۸ یکی از اهداف ایجاد جی لیگ در ژاپن را خواست وزارت خارجه

۱. Espn

ژاپن دانسته تا پس از جنگ سرد فوتبال بتواند دستاوردهای اقتصادی را تقویت و موجبات پیشرفت و صلح در کشور ژاپن باشد (شریعتی، ۱۳۹۴: ۳۴).

از سویی، تیم‌ها و ستارگان ملی که نفوذ و تأثیری جهانی دارند می‌توانند فرایند صلح‌سازی در جوامع چندپاره را تسریع بخشند. برای مثال، تیم ملی فوتبال رواندا در چند جام جهانی پس از نسل‌کشی و خشونت‌های قومی دهه ۱۹۹۰ میلادی در این کشور توانسته است روند اعتمادسازی میان توتسی‌ها و هوتوها را شدت دهد. دیدیر دروگبا و سایر بازیکنان تیم ملی ساحل عاج در سال ۲۰۰۷ میلادی توانستند چنین نقشی ایفا نمایند. آنها در مقابل دوربین‌های تلویزیونی از مردم کشورشان خواستند به جنگ داخلی در این کشور پایان دهند (۳۴: ۲۰۱۱، FIFA World Magazine).

۴- فوتبال به عنوان ابزاری برای نوع دوستی و بهبود مناسبات

در نگاه اول، فکر بهبود مناسبات بین دو ملت از طریق مسابقات ورزشی تا حدودی غریب به نظر می‌رسد، زیرا قاعدتاً مسابقات ورزشی بین‌المللی چیزی فراتر از تجسم هیجانانگیز و تعصبات ناسیونالیستی نیست - بطور مثال، مسابقات خشونت بار واترپلو و هاکی روی یخ بین اتحاد شوروی و چکسلواکی در سال ۱۹۶۸ و یا جنگ فوتبال بین السالوادور و هندوراس در سال ۱۹۶۹. با این حال، وقتی طرفین یک مسابقه ورزشی با حسن نیت و احترام با یکدیگر برخورد و آداب ورزشی را رعایت کنند و تماشاچیان نیز دوستانه به تشویق بپردازند، نوعی تغییر می‌تواند در جهت‌گیری‌های متقابل حاصل شود.

تبادلات در حوزه دیپلماسی فوتبال می‌تواند فهم متقابل و دوستی‌های ملی و بین‌المللی را بهبود بخشد و کلیشه‌ها و قضاوت‌های پیشینی را که افراد در باب هم دارند کاهش دهد. جالب تر این که این گونه مبادلات به سبب ریسک کمتر، هزینه اندک و وجهه‌ای که ایجاد می‌کنند به صرفه‌تر هستند (Keech & Houlihan, ۱۹۹۹: ۱۲۱). فوتبال راهی کارآمد برای هدایت نوع دوستی موجود است؛ هزینه مادی اندک که اجازه می‌دهد که پای فوتبال به تمام طبقات اجتماعی و اقتصادی باز شود و پروژه‌های عظیم نوع دوستانه و خیرخواهانه الهام گرفته از فوتبال می‌توانند با منابع نسبتاً محدود سازمان‌دهی شوند و مزایای ناملموس قابل توجهی تولید کنند. گواه آن برای نمونه، کاری بود که روزنامه گاردین انگلستان در اوگاندا شمالی انجام داد و فوتبال برای آبیاری نهال وحدت در یک منطقه جنگ‌زده مورد استفاده قرار گرفت. فوتبال علاوه

بر نوع دوستی، در ترویج نوع دیگری از برخورد با دیگران نیز دخیل است: نگرش توأم با احترام و مدارا؛ فوتبال این احترام را با سهیم شدن در خودشناسی متعالی تری ایجاد می کند. فوتبال افراد را قادر به حفظ فاصله بحرانی با تجربه‌های مستلزم علاقه شدید و پیوندهای قوی شان می کند و این تأثیر آن‌ها بر رفتار را محدود می نماید و کشمکش‌های میان فردی را کاهش می دهد- بانزدیکی افراد، ملت‌ها به هم نزدیک‌تر می‌شوند(ریچاردز ۱۳۹۶: ۲۴۸-۲۴۶). یکی از موارد به یاد ماندنی از انتقال حسن نیت با فوتبال، «آتش بس کریسمس» در ۱۹۱۴ در جریان جنگ جهانی اول در بین کشورها و ملت‌ها بود. یگان‌های بریتانیایی و آلمانی موقتاً دشمنی را در روز کریسمس کنار گذاشتند و دور هم جمع شدند تا فوتبال بازی کنند. این بازی بیانگر حس نوع دوستی و احترام متقابل فراموش شده در کشور در زیر سایه جنگ و دشمنی بود. در نمونه دیگری برای ایجاد روابط دوستانه مابین کشورها می توان از اقدام عبدالله گل، رئیس جمهور وقت ترکیه نام برد که برای دیدار تیم‌های ملی فوتبال کشورش با ارمنستان به ایروان رفت؛ اقدامی که در سیاست به صفر رساندن اختلافات با همسایگان و حصول عمق استراتژیک (به زعم احمد داوود اوغلو) انجام پذیرفت و اتفاقاً تا حدودی هم اثرگذار بود(عراقی، ۱۳۹۴: ۱۶۹).

در نمونه دیگر برای بیان نوع دوستی، هواداران تیم فوتبال رئال مادرید^۱ اسپانیا - پرافتخارترین تیم فوتبال اروپا که مسلمان نیستند- به احترام برخی از بازیکنان تیم‌شان که روزه دارند، بعد از غروب آفتاب در خیابان‌های برنابئو^۲ جشن «رامادان» برگزار می کنند یا باشگاه بایرن مونیخ و آرسنال با انتشار عکسی عید فطر را به مسلمانان تبریک گفت(ایپنا، ۹۶/۴/۴).

۵- فوتبال به مثابه ابزار قدرت نرم

بنا به تعریف «جوزف نای»، قدرت نرم توانایی یک کشور در رسیدن به اهداف خود از طریق ایجاد جاذبه و کشش و نه اجبار و زور است. اعمال قدرت از نظر او از روش‌هایی همچون بسط و گسترش روابط با متحدان و تعاملات فرهنگی میسر می‌شود. چنین سیاستی منجر به محبوبیت دولت‌ها نزد افکار عمومی کشور مقصد و کسب حیثیت وجهه‌ی بین‌المللی می گردد(رضایی و زهره‌ای، ۱۳۹۰: ۱۱۹). ورزش، یکی از عناصر قدرت نرم در دنیا و از جمله در بریتانیاست. بسیاری از ورزش‌هایی که در حال حاضر از محبوبیت

۱ . Real Madrid

۲ . Bernabeu

جهانی برخوردار هستند، ریشه در انگلستان قرن نوزدهم دارند. به عنوان مثال، فوتبال به عنوان جذاب‌ترین و پرمشاهدترین ورزش دنیا، مخلوق انگلیسی هاست (کاشف، ۱۳۹۵: ۶۹). هم اکنون نیز، «لیگ برتر فوتبال انگلستان» رقابتی‌ترین و جهانی‌ترین لیگ فوتبال در دنیا به شمار می‌رود. سهام بسیاری از باشگاه‌های ورزشی بریتانیا توسط مالکان خارجی خریداری شده و خصلت بین‌المللی یافته‌اند. طرفداران این باشگاه‌ها نیز از ملیت‌های گوناگون و چندین برابر هواداران داخلی و محلی آن‌ها هستند. این واقعیت را در هنگام تورهای تابستانی برخی از این باشگاه‌ها از جمله منچستر یونایتد، به وضوح می‌توان مشاهده کرد (دهقانی و ذوالفقاری، ۱۳۹۳: ۱۰۶-۷۹).

موفقیت تیم‌های ملی یا ورزشکاران یک کشور به صورت معمول موفقیت کشور تلقی می‌شود. برای مثال، پیروزی تیم ملی فوتبال زنان ژاپن در مسابقه با آمریکا در فینال رقابت‌های جام جهانی زنان نشانه بازگشت قدرت ملی این کشور پس از زلزله و سونامی مارس سال ۲۰۱۱ میلادی تفسیر می‌شد. شواهد دیگری نیز در زمینه رابطه ورزش و قدرت نرم وجود دارد. بسیاری از کشورها نام‌آورترین و شناخته‌شده‌ترین ورزشکارانشان - که بیشتر آن‌ها سوپر استاره‌هایی هستند که در تمام جهان شناخته شده می‌باشند - را به مأموریت‌های دیپلماتیک در خارج از مرزهایشان اعزام می‌کنند تا حضور و تصویر خوبی از خود را در بیرون از مرزها به دیگر کشورها نشان دهند. از این موارد به عنوان قدرت نرم در جهت کسب منافع ملی و توسعه از طریق دیپلماسی فوتبال با کم‌ترین هزینه و بیشترین سود به مانند سایر کشورها می‌توان استفاده کرد.

۶- فوتبال ابزاری برای همگرایی و گفت‌وگو

فوتبال در مختل کردن عینیت و واقعی بودن کشور و مرزهای ملی نقش دارد. در یورو ۲۰۰۰، سازمان دهندگان شعار رسمی خود را «فوتبال بدون مرز» انتخاب کردند، زیرا فوتبال مرزها را در ورزش، فرهنگ، سیاست و اقتصاد در می‌نوردد. پاپ ژان پل دوم می‌گوید: «ورزش بسیار مهم است، زیرا می‌تواند به ترویج ارزش‌های اساسی میان جوانان کمک کند. ورزشکاران می‌توانند ورزش را به فرصتی برای نشست و گفت‌وگو در بیرون از مرزهای زبان، نژاد و فرهنگ تبدیل کنند» (لومور و بودر، ۱۳۹۶: ۳۱).

باوری همگانی وجود دارد که ورزش می‌تواند مردم را متحد سازد و مرزهای میان آن‌ها را کم رنگ کند (Spaaij, ۲۰۱۱: ۱). در این زمینه بوردیو، جامعه شناس شهیر فرانسوی می‌گوید که فرد از طریق ورزش مورد پذیرش اجتماعی قرار می‌گیرد و در نتیجه، اعتماد به نفس وی افزایش پیدا می‌کند (بوردیو، ۱۳۹۰: ۴۷). زمانی که یک ورزش مثل فوتبال برای میلیاردها نفر اهمیت پیدا می‌کند، دیگر نمی‌توان آن را فقط یک بازی تلقی کرد. ورزش فوتبال هیچ وقت فقط فوتبال نیست، بلکه این ورزش جنگ، صلح و دوستی به وجود می‌آورد، انقلاب می‌کند و مورد توجه سازمان‌ها، دولت‌ها و دیکتاتورها قرار می‌گیرد و می‌تواند با اطمینان عاملی برای نشست و گفت‌وگو باشد. قدرت فوتبال را می‌توان به عنوان یک ابزار برای جلوگیری از درگیری و هم‌چنین به عنوان یک عنصر برای ایجاد صلح و توسعه استفاده و به طور اثرگذاری اعمال نمود. این‌ها ارزش‌های مشترک جهانی و مهمی هستند که برای صلح و توسعه پایدار ضروری می‌نمایند و در محیط پس از درگیری و جنگ به طور خاص برای کاهش تنش‌ها و تولید گفت‌وگوهای تأثیرگذار دوجانبه یا چندجانبه باشند.

برای مثال، میان برخی گروه‌های کشورهای عربستان سعودی و کویت با گروه‌های ورزشی کشور مصر بازی‌هایی برگزار شد و زمینه را برای از سرگیری روابطی که پس از عقد پیمان صلح مصر و اسرائیل قطع شده بود، آماده کرد. در مصر از گروه‌های این دو کشور با گرمی تمام استقبال به عمل آمد و هدایایی به رسم یاد بود میان بازیکنان و مدیران ردوبدل شد. این مسابقات در ایجاد جو مردمی و عمومی برای از سرگیری روابط رسمی تأثیر خوبی داشت. از همین طریق در عرصه دیپلماسی عمومی فوتبال می‌توان باعث رشد مبادلات و ارتباطات بین کشورها شد. به بیانی دیگر، ورزش فرصتی را برای رهبران کشورها فراهم می‌آورد تا با یکدیگر ملاقات و گفت‌وگو نمایند (Coakley, ۲۰۰۹: ۴۵۰-۴۵۱).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بررسی‌های انجام شده در این مقاله نشان داد که دیپلماسی فوتبال به عنوان ابزاری کارآمد و قابل انعطاف در سیاست خارجی، زمینه‌ساز ارتقای روابط دولت‌ها و نیز افزایش تفاهم میان ملت‌ها و ایجاد صلح و ثبات بین‌المللی است. از سویی، با ناکارآمدی راهکارهای نظامی در حل مناقشات و منازعات موجود در عرصه جهانی و بین‌المللی برای برقراری امنیت در جهان نیاز به استفاده از پدیده فوتبال به عنوان راه حلی در میان

دولت هایی که عضو فدراسیون جهانی فوتبال، فیفا هستند بیش از پیش احساس می شود. باتوجه به کارکردهای دیپلماسی فوتبال می توان از آن در تقویت هویت ملی، به عنوان ابزاری در خدمت توسعه کشور، ابزار صلح و آشتی در داخل و خارج از کشور، ابزاری برای نوع دوستی و بهبود مناسبات در بعد ملی و بین المللی، ابزار اجرای قدرت نرم و نیز به عنوان ابزاری برای همگرایی و گفتگو در در مناسبات داخلی و دیپلماتیک کشورها سود جست. فوتبال می تواند نمایندگان کشورهای جهانی را ورای تفاوت های آن ها در زبان، رنگ، نژاد، ایدئولوژی، فرهنگ و ... در کنار یکدیگر قراردهد و صحنه های شورانگیز انسانی را خلق کند. از سویی، فوتبال و فعالیت های ورزشی جزو بافت اساسی اجتماعی- فرهنگی کشورها محسوب می شود یا به تعبیر مارسل موس، ورزش اکنون از یک فعالیت صرفاً بدنی فراتر رفته است. همچنین، براساس یافته های این پژوهش، اینک فوتبال کارکردهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و جایگاه سیاسی و بین المللی نیز پیدا کرده است تا جایی که کارکردهای بین المللی فوتبال و رویدادهای بین المللی آن موجب شده تا در دیپلماسی عمومی کشورها به جایگاه فوتبال، تیم های ورزشی و ورزشکاران این رشته در رساندن پیام ملت به سایر ملت ها توجه ویژه ای صورت گیرد. بنابراین، فوتبال علاوه بر ترمیم ارتباط کشورها می تواند دستاوردها و پیروزی های قهرمانان و ورزشکاران آنها را به نظام سیاسی- اقتصادی پیوند دهد و برتری نظامی بر سایر نظام ها را به نمایش بگذارد.

از این رو کارکردهای دیپلماسی فوتبال باعث شده است که ضمن تأکید بر تأثیر فوتبال در توسعه اجتماعی و فرهنگی، در رویدادهای بین المللی ورزشی نیز بر نقش ورزشکاران در رساندن پیام یک ملت، ترویج فرهنگ صلح و آشتی، گردشگری ورزشی، تبادلات فرهنگی، بهبود مناسبات مابین کشورها توجه ویژه ای صورت گیرد. در این راهبرد فوتبال به عنوان ابزار سیاست دولت، توانایی ارتباط دستاوردها و پیروزی قهرمانان و ورزشکاران کشور به نظام سیاسی- اقتصادی را نشان می دهد. به همین دلیل در دنیای امروز شاهد گسترش شدید دیپلماسی فوتبال و بهره گیری دولت های قدرتمند از فوتبال برای پیشبرد اهداف توسعه ای و بین المللی خود هستیم.

جمهوری اسلامی ایران نیز بنا به توان بالقوه خود می تواند با شکل دادن به دیپلماسی فوتبال خود از آن در رویدادهای بین المللی به منظور بستری برای پیشبرد اهداف فرهنگی و حتی اقتصادی خود در سطح

بین‌المللی استفاده کند. پیشنهاد می‌شود که مسئولان فوتبال کشورمان با سیاستگذاری مناسب و خط مشی - های روشن و شفاف، ارتقای آگاهی و دانش لازم در زمینه دیپلماسی فوتبال برای بازیگران این عرصه، شناخت ظرفیت‌های بالقوه آن، زمینه تحقق اهداف دیپلماسی فوتبال را از طریق میزبانی رویدادهای بین‌المللی، حضور در رویدادهای بین‌المللی، اعزام مربیان، داوران و ورزشکاران، استفاده فراگیر از بستر رسانه ملی، قهرمانان و نخبگان ورزشی و عضویت هدفمند در مجامع بین‌المللی را فراهم نمایند.

منابع

- اباذری، یوسف. (۱۳۸۱). «نوربرت الیاس و فرایند متمدن شدن». مجله نامه علوم اجتماعی. شماره ۱۹.
- اخوان کاظمی، مسعود. (۱۳۷۸). «ورزش و سیاست بین الملل». فصلنامه المپیک. سال ۷، شماره ۲-۱.
- اخوان کاظمی، مسعود و شاه قلعه، صفی الله. (۱۳۹۲). «تأثیر فوتبال بر مؤلفه‌های هویت ملی». مطالعات فرهنگ-ارتباطات. شماره ۲۳.
- ادواردس، آلان و اسکینر، جیمز. (۱۳۹۳). تحقیقات کیفی در مدیریت ورزش. فرشاد تجاری. تهران: انتشارات جامعه شناسان
- ادیبی، حسین و انصاری، عبدالمعبود. (۱۳۸۷). نظریه‌های جامعه شناسی. چاپ سوم، تهران: نشر دانژه
- ازکیا، مصطفی. (۱۳۸۰). جامعه شناسی توسعه. چاپ سوم، تهران: نشر کلمه
- استراس، آنسلم و کوربین، جولیت. (۱۳۸۵). اصول روش تحقیق کیفی. بیوک محمدی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- انورالخالوی، امین. (۱۳۸۱). ورزش و جامعه. حمیدرضا شیخی. تهران: انتشارات سمت
- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۸۹). «مشخصات فوتبال امروز». مجله آیین. شماره ۳۰ و ۳۱.
- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۸۷). «فوتبال: پارادوکس نوسازی». نامه علوم اجتماعی. شماره ۴.
- بوردیو، پیر. (۱۳۹۰). نظریه کنش، دلایل علمی و انتخاب عقلانی. مرتضی مردیها. چاپ چهارم، تهران: انتشارات نقش و نگار
- بون ویتز، پاتریس. (۱۳۹۰). درس هایی از جامعه شناسی پی یر بوردیو. جهانگیر جهانگیری. تهران: نشر آگه
- پارسامهر، مهربان. (۱۳۸۸). جامعه شناسی ورزش. یزد: انتشارات دانشگاه یزد
- حسینی، سیدعماد و دیگران. (۱۳۹۴). «بررسی وضعیت موجود و مطلوب لیگ برتر فوتبال ایران براساس معیارهای حرفه ای AFC». دو فصلنامه مدیریت و توسعه ورزش. شماره ۱.
- دوفرانس، ژاک. (۱۳۸۵). جامعه شناسی ورزش. عبدالحسین نیک گهر. تهران: نشر توتیا

- دورتیه، ژان فرانسوا. (۱۳۸۱). «پیربورديو انسان شناس، جامعه شناس». مرتضى كتبی. انسان شناسی. شماره ۱.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و ذوالفقاری، مهدی. (۱۳۹۳). «تحلیل قدرت نرم بریتانیا». دوفصلنامه علمی - پژوهشی قدرت نرم. شماره ۱۱.
- دیلینی، تیم. (۱۳۸۸). نظریه های کلاسیک جامعه شناسی. بهرنگ صدیقی. تهران: نشر نی
- رحمتی، محمدمهدی. (۱۳۸۶). «تأملی جامعه شناسانه بر تجاری شدن ورزش». فصلنامه حرکت. شماره ۳۲.
- رضایی، علی اکبر و زهره‌ای، محمدعلی. (۱۳۹۰). دیپلماسی فرهنگی نقش فرهنگ در سیاست خارجی و ارائه مدل راهبردی. تهران: انتشارات جامعه شناسان
- ریچاردز، تد. (۱۳۹۶). فوتبال و فلسفه. عیسی عظیمی. تهران: نشر مرکز
- روزخوش، حمد. (۱۳۸۹). «ورزش و سیاست؛ سویه‌های مختلف یک رابطه». آیین. شماره ۳۰ و ۳۱.
- زرگر، افشین. (۱۳۹۴). «ورزش و روابط بین‌الملل: جنبه‌های مفهومی و تئوریک». فصلنامه علوم سیاسی. شماره ۱۱.
- سیف زاده، سیدحسین. (۱۳۷۰). «تحول در مفهوم منافع ملی: جایگزینی آن با مفهوم مصالح متقابل جهانی». سیاست خارجی. سال پنجم، شماره ۲.
- شریعتی، مهدی. (۱۳۹۴). «طراحی و مدل سازی مولفه‌های دیپلماسی ورزش در توسعه روابط بین المللی». رساله دکتری دانشکده تربیت بدنی، دانشگاه تهران.
- شریعتی، مهدی و ناظمی، مازیار. (۱۳۹۶). «طراحی مفاهیم فرهنگ صلح ساز ورزش در توسعه روابط بین‌الملل (مطالعه موردی طرح ویو «جهان، عاری از خشونت و افراطی گری» ریاست جمهوری)». فصلنامه راهبرد اجتماعی و فرهنگی. سال ششم. شماره ۲۴.
- طالب، مهدی. (۱۳۹۱). شیوه های علمی مطالعات اجتماعی. چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- صباغیان، علی. (۱۳۹۴). «دیپلماسی ورزش». مطالعات فرهنگ - ارتباطات. شماره ۳۱.

- طالقانی، محمود. (۱۳۸۲). روش تحقیق نظری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- عراقی، غلامرضا. (۱۳۹۴). «نقش دیپلماسی فرهنگی در صدور انقلاب اسلامی ایران». فصلنامه پژوهش- های انقلاب اسلامی. شماره ۱۴.
- فاضلی، حبیب الله. (۱۳۹۱). «ورزش و سیاست». پژوهشنامه علوم سیاسی. سال ۷، شماره ۲.
- فرانکل، جوزف. (۱۳۷۰). روابط بین الملل در جهان متغیر. عبدالرحمن عالم. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۶). تاریخ اندیشه و نظریه های انسان شناسی. چاپ سوم، تهران: نشر نی
- قاسمی، حمید و دیگران. (۱۳۸۸). جامعه شناسی ورزش (وندالیسم و اوباشی گری در ورزش فوتبال). تهران: نشر جامعه شناسان
- قدیمی، بهرام. (۱۳۹۳). اصول و مکاتب جامعه شناسی ورزش. تهران: انتشارات جامعه شناسان
- کاشف، میرمحمد. (۱۳۹۵). تاریخ تربیت بدنی. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور
- کوکلی، جی. (۱۳۹۳). ورزش در جامعه (۱ و ۲). بهرام قدیمی. تهران: انتشارات بامداد کتاب
- گرانفل، مایکل. (۱۳۹۳). مفاهیم کلیدی پیربوردیو. محمد مهدی لیبی. تهران: نشر افکار
- گرهارت، مارکوس. (۱۳۸۳). «ورزش و جامعه مدنی در ایران». فصلنامه گفت و گو. شماره ۴۲.
- لورمور، روگر و آدرین، بودر. (۱۳۹۱). ورزش و روابط بین الملل. نصرالله سجادی. تهران: نشر علوم ورزشی (حتمی)
- محمدی، بیوک. (۱۳۹۰). درآمدی بر روش تحقیق کیفی. چاپ دوم، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- محرم زاده، مهرداد. (۱۳۸۵). مبانی روانی - اجتماعی در تربیت بدنی. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور
- ملکوتیان، مصطفی. (۱۳۸۸). «ورزش و سیاست». فصلنامه سیاست. دوره ۳۹، شماره ۲.
- نادریان جهرمی، مسعود. (۱۳۸۹). مبانی جامعه شناسی ورزش. تهران: انتشارات بامداد کتاب

- نوابخش، مهرداد. و جوانمرد، کمال. (۱۳۸۸). «پیش قراولان جامعه شناسی ورزش». فصلنامه جامعه شناسی. شماره ۱۴.
- وزارت ورزش و جوانان. (۱۳۹۴). ورزش در برنامه ششم توسعه اجتماعی اقتصادی. تهران.
- هاشمی، سیدضیاء و جوادی یگانه، محدرضا. (۱۳۸۶). «فوتبال و هویت ملی». فصلنامه مطالعات ملی. شماره ۲.
- هومن، حیدرعلی. (۱۳۹۴). راهنمای عملی پژوهش کیفی. چاپ هفتم، تهران: انتشارات سمت
- Blatter, Joseph Sepp. (۲۰۰۹). **“Football has a socio-cultural dimension”**. august ۱۲, viewed on April ۲۹th, ۲۰۱۱.
- Blatter, Joseph Sepp. (۲۰۰۹). **“Football has a socio-cultural dimension”**. august ۱۲, viewed on April ۲۹th, ۲۰۱۱:
- Coakley, Jay J. (۲۰۰۹). **Sport in Society: issues and controversies**. McGraw-Hi
- Cronin, Mike. (۲۰۰۳). **“Projecting the Nation through Sport and Culture: Ireland, Aonach Tailteann and the Irish Free State, ۱۹۲۴-۳۲”**. Journal of Contemporary History, Vol. ۳۸. No. ۳.
- Finnemore, Martha. (۱۹۹۶). **National International Society**. Ithaca: Cornell University Press
- Grant, Jarvie. (۲۰۰۹). **Sport, Culture and Society**. In the USA and Canada by Routledge.
- Hamilton and Langhorne. (۲۰۱۱). **The Prractice of Diplomacy: Its Evolution, Theory and Administration**. Routledge
- Keech, Marc & Houlihan, Barrie. (۱۹۹۹). **“Sport and the end of apartheid”**. The Commonwealth Journal of International Affairs, No.۳۴۹, pp ۱۰۹-۱۲۱.

- Levermore, R. & Beacom, A. (۲۰۱۲). **“Moving beyond ‘mapping the territory’**”. *International journal of sport policy and politics*. ۴ (۱).
- Jackson, S. J. (۲۰۱۳). **“The contested terrain of sport diplomacy in a globalizing world”**. *International Area Studies Review*, ۱۶ (۳).
- Murray, Stuart. (۲۰۱۲). **“Sports-Diplomacy: a Hybrid of Two Halves”**. a paper presented at ISA San Diego Convention.
- Jarvie, Grant. (۲۰۰۹). **Sport, Culture and Society: An Introduction**. Routledge
- Rice, X. (۲۰۱۱). **“South Sudan marks statehood with football match”**. *The Guardian magazine*.
- Rosenau, James. (۱۹۶۱). **The Scientific Study of Foreign Policy**. New York: MacMillan Press
- Schulenkorf, N. Sugden, J & Burdesy, D. (۲۰۱۴). **“Sport for development and peace as contested terrain: Place, community, ownership”**. *International Journal of Sport Policy and Politics*. ۶(۳).
- Spaaji, ramon. (۲۰۱۱). **Sport and social mobility: crossing boundaries**. London: Routledge
- Strauss, A. & Corbin, J. M. (۱۹۹۸). **Basics of qualitative research Techniques and procedures for developing grounded theory**, London: Sage
- Wang, Y. (۲۰۰۸). **“Public diplomacy and the rise of Chinese soft power”**. *Annals of the American Academy of Political and Social Science*.
- Walter, Caroline (۲۰۰۷). **“Sport Diplomacy is the New comeback Kid”**. August ۳. Viewed on ۲۹ April, ۲۰۱۱.

Football Diplomacy

Davood Noori

Ph.D. Student in Sport Sociology, Department of Sport Sociology, Faculty of Humanities and Social Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Bahram Ghadimi

Ph.D., Associate Professor, Department of Sport Sociology, Faculty of Humanities and Social Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Mohammad Ali Aslankhani

Ph.D., Full Professor, Department of Motor Behavior, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Zahra Ali Pourdarvish

Ph.D., Assistant Professor in Business Management, Faculty of Management and Social Sciences, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran

Received: 7 Nov. 2018

Accepted: 27 Nov. 2018

In the last century, football has become a major player in cultural, social, economic and, more importantly, political and international exchanges. As this sport affects beliefs, attitudes and practices, and as one of the factors contributing to the formation of internal and external policies and relationships, it can carry out

numerous social, economic, cultural and diplomatic functions and has made a lot of change in countries. As a result, sports and sport activities have gone beyond physical activity or entertainment, and have achieved various social, cultural, economic, political and international goals and functions. Analysis of theories and research found that among the various phenomena, football as one of the examples of relations between countries has been able to place a special place among the programs of developing countries to express their own society demands to the world. The political, social, economic, and cultural functions of football, and its effects and effects on the level of interactions between states and others, international actors, have the potential to be theorized and conceptualized. Based on the findings of this study, the specifics and functions of football diplomacy can be seen as strengthening national identity as a means of development, peace and reconciliation tools, a tool for altruism and improving relations, a soft power tool, a tool for convergence and dialogue in the national and international dimension of countries. This article is based on descriptive-analytical method and the method of data collection is based on documentary and library and comparative study.

Key Words: Football, Diplomacy, Football Diplomacy and Football World Cup